

# تحلیل فقهی گستره اختیار زوج در منع از حج مستحبی همسر

مهدی ساجدی<sup>۱</sup> و حسام‌الدین ربانی<sup>۲</sup>

## چکیده

بر اساس روایات، زوجه برای ادای برخی عبادات همچون حج مستحبی؛ نیازمند اذن زوج است و چنانچه بدون اذن شوهر حج استحبابی به جا آورد، حجش باطل است. اما گستره اختیار زوج در منع همسر از حج محل اختلاف است و بر اساس نظر فقیه درباره حق استمتاع از زوجه متفاوت است. نتایج این پژوهش، که با تحلیل ادله و به صورت کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری به دست آمده، نشان می‌دهد که اگر فقیه معتقد باشد استمتاع از زوجه حقی است که شارع به طور مطلق و در همه ساعات شبانه‌روز برای زوج قرار داده، در هر صورت حج همسر بدون اذن شوهر باطل است، اما چنانچه فقیه بر اساس ادله معتقد شود حق استمتاع به صورت کلی در معین برای زوج ثابت است یا لحاظ امکان استمتاع را درباره حق مزبور بعید نشمارد، صحت حج مستحبی زوجه به عدم منافات با حق زوج منوط است و فقط در صورت منافات به اذن زوج نیاز است.

کلیدواژه‌ها: حق استمتاع، حج مستحبی، اذن زوج.

۱. استادیار دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث و عضو گروه فقه و حقوق پژوهشکده حج

و زیارت (نویسنده مسئول) (mehdisajedi80@yahoo.com).

۲. استادیار دانشکده علوم و معارف اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث. قم. ایران

(hesamrabbani921@yahoo.com).

## مقدمه

بر اساس روایاتی که به تفصیل خواهد آمد، زوجه برای ادای برخی مستحبات مانند حج مستحبی نیازمند اذن زوج است؛ خصوصاً اینکه لازمه ادای حج خروج از منزل شوهر است که مطابق با روایات فراوان باید با اذن همسر باشد. بیشتر این روایات بر اساس توثیقات اندیشمندان متقدم و متأخر رجالی درباره روایان این احادیث، از اعتبار سندی برخوردارند و فقیه را به وثوق صدوری می‌رسانند. اما درباره حکم مزبور چند سؤال می‌توان طرح کرد؛ از جمله اینکه نیاز زن به اذن شوهر برای خروج از منزل و ادای حج حکمی تعبدی است یا به ملاک منافات با حق زوج است؟ چنانچه از ادله مسئله استفاده شود که لزوم اذن به ملاک منافات اعمال مستحبی زن با حق استمتاع زوج است، حق زوج در استمتاع را چگونه می‌توان تصور کرد و تصور این حق چه تأثیری در حکم ادای مستحبات به‌ویژه ادای حج مستحبی زوجه دارد؟

پیش از پاسخ به این سؤالات باید روایات دال بر لزوم اذن زوج در حج مستحبی همسر بررسی و ابتدا به اقوال فقها در این زمینه اشاره کنیم.

### ۱. اقوال فقها

مراجعه به کلمات فقها بیانگر این است که مسئله لزوم اذن زوج به ادای حج مستحبی شهرت فراوانی دارد (خویی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۹؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج ۲۷، ص ۱۳۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۳۰۵؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۳۱؛ شاهرودی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۰؛ تبریزی، بی‌تا/الف، ج ۱، ص ۲۸۹؛ اشتیاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۵، ص ۱۵۶؛ فاضل لنکرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۹) و فقیهان فراوانی را می‌توان یافت که صحت حج مستحبی زن را به اذن شوهر منوط دانسته‌اند (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۹۵؛ مؤمن سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۴؛ شهید اول، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۶۰؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۳۳؛ آملی،

۱۳۸۰ق، ج ۱۲، ص ۵۴) و حتی برخی فقها مانند علامه مجلسی رحمته الله در حکم مسئله ادعای عدم خلاف کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۳۸۸).

## ۲. روایات

لزوم اذن زوج در حج مستحبی و نهی از حج بدون اذن در تعداد کمی از روایات وارد شده است. البته ممکن است کم بودن روایات حج به این دلیل باشد که ادای حج مستحبی بدون اذن شوهر در زمان صدور روایات به آسانی ممکن نبوده است. به عبارت دیگر این حکم عام‌البلوی نبوده و به همین دلیل درباره آن چندان از معصومان رحمتهم الله نپرسیده‌اند. اما به هر روی این مسئله در برخی روایات وارد شده و نیازمند بررسی است. روایاتی که این مسئله را بیان کرده‌اند، عبارت‌اند از:

یک- روایت اسحاق بن عمار از امام کاظم رحمته الله:

از امام کاظم رحمته الله پرسیدم: زن ثروتمندی که حج واجب را به جا آورده، از شوهرش می‌خواهد او را از مال خودش به حج برد، آیا شوهر می‌تواند زن را منع کند؟ فرمود: آری، شوهر به زن می‌گوید: حق من بر تو از حق تو بر من در این باره عظیم‌تر است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۵۶).<sup>۱</sup>

دو- روایت جابر بن یزید جعفی از امام باقر رحمته الله: شنیدم آن حضرت می‌فرمایند: «جایز نیست زن بدون اذن شوهر حج استحبابی به جا آورد» (همان، ج ۲۰، ص ۲۲۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۵۵).<sup>۲</sup>

۱. محمد بن الحسن بیسناده عن موسی بن القاسم عن ابن جبلة عن إسحاق بن عمار عن أبي الحسن رحمته الله قال: سألته عن المرأة الموسرة قد حجت حجة الاسلام تقول لزوجها أحجني من مالي، أله أن يمنعها من ذلك؟ قال: «نعم» ويقول لها حقي عليك أعظم من حقي علي في هذا».

۲. محمد بن علي بن الحسين في الخصال عن أحمد بن الحسن القطان عن حسن بن علي العسكري عن محمد بن زكريا البصري عن جعفر بن محمد بن عمارة عن أبيه عن جابر بن يزيد الجعفي قال سمعت ابا جعفر محمد بن علي الباقر رحمته الله يقول: «... ولا يجوز أن تحج تطوعا إلا باذن زوجها».

سه- روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام: حضرت فرمودند: «زن مطلقه در عده‌اش حج انجام ندهد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۱۵۹) <sup>۱</sup>.  
جناب شیخ حر عاملی رحمته الله علیه ذیل این روایت چنین نگاشته است: «به نظر می‌رسد با توجه به ادله گذشته و ادله‌ای که می‌آید، مراد روایت این است که زن در زمان عده رجعی بدون اذن زوج حج به جا نیاورد» <sup>۲</sup>.

چهار- روایت محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیه السلام: «زن مطلقه در عده‌اش می‌تواند حج انجام دهد» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۱۷) <sup>۳</sup>.  
پنج- روایت معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمایند: «مطلقه در مدت زمان عده در صورت رضایت شوهرش می‌تواند به حج رود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۹۱) <sup>۴</sup>.

#### الف) بررسی سند روایات:

روایت اول اعتبار سندی دارد. در این روایت، محقق خویی رحمته الله علیه طریق جناب شیخ طوسی رحمته الله علیه به موسی بن قاسم را صحیح دانسته (خویی، ۱۳۷۶ش، ج ۱۹، ص ۷۳) و عبدالله بن جبله، که در سند روایت قرار گرفته نیز با وجود واقفی بودن از طرف علامه حلی رحمته الله علیه توثیق شده است (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۷).  
روایت دوم به دلیل ناشناخته بودن ابن عماره و پدرش و اختلاف نظری که درباره جابر میان عالمان رجال وجود دارد، معتبر نیست (خویی، ۱۳۷۶ش، ج ۴،

۱. محمد بن الحسن یاسناده عن موسى بن القاسم عن صفوان عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا تحج المطلقه في عدها».

۲. ممکن است مراد ایشان از «ماتقدم» امثال این صحیحه باشد: «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «لا ينبغي للمطلقه أن تخرج إلا بإذن زوجها حتى تنقضي عدها ثلاثة قروء أو ثلاثة أشهر إن لم تحض».

۳. «الحسين بن سعيد عن صفوان بن يحيى عن العلاء عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليه السلام قال: المطلقه تحج في عدها».

۴. «حميد بن زياد عن ابن سماعة عن محمد بن زياد عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: سمعته يقول: المطلقه تحج في عدها إن طابت نفس زوجها».

ص ۱۸-۲۰) و علامه حلی<sup>رحمته</sup> نیز در نهایت درباره روایان حدیث بالا به توقف قائل شده است (علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶).<sup>۱</sup> روایات سوم و چهارم معتبرند و روایان این دو حدیث، امامی، ثقه و جلیل القدرند. در روایت پنجم حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه گرچه وافقی اند، توثیق شده اند (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۵۹ و ۲۱۲)؛ اما سایر روایات مشکلی ندارند و از وثوق و اعتبار برخوردارند.

### ب) بررسی دلالت روایات

در روایات فوق، نهی از حج زن با تعابیر متفاوتی آمده است در حدیث نخست، زن از مرد می خواهد او را به حج برد و حضرت می فرماید چنین حقی بر مرد ندارد؛ اما اگر خود زن بخواهد بدون اذن شوهر به حج رود، در این حدیث پاسخی نمی یابد و کلام امام ناظر به این مطلب نیست؛ درحالی که آنچه مد نظر است، همین مسئله دوم است. گذشته از آن، حدیث ناظر به واقعه ای خاص است. مشخصات سؤال کننده و شرایط او تبیین نشده است و تعمیم آن و استنتاج قانون عام امری آسان نیست.

روایت دوم در عدم جواز حج مستحبی برای زن بدون اذن شوهر صراحت دارد و از آنجا که حکم عدم جواز به تنافی یا عدم تنافی با حق زوج مقید نشده، می توان گفت روایت از این جهت اطلاق دارد، مگر اینکه گفته شود مطرح شدن مسئله لزوم اذن شوهر، خود می تواند قرینه باشد بر اینکه ملاک در نهی از حج زوجه بدون اذن مراعات حق زوج است؛ خصوصاً اینکه ادای حج مستلزم سفر و خروج از منزل در مدت زمان نسبتاً طولانی است؛ اما به هر حال به نظر می رسد هر گونه استفاده از دلالت روایت بر لزوم اذن شوهر در ادای حج مستحبی - به دلیل ضعف سند و عدم روایات صحیح مماثل در مقام قرینه یا مؤید در این زمینه - ناتمام است.

۱. «و الأقوی عندی التوقف فیما یرویه هؤلاء (الضعفاء) کما قاله الشیخ ابن الغضائری».

در روایت سوم به طور مطلق از ادای حج توسط مطلقه نهی شده است و این اطلاق شامل حج واجب و مستحب، اذن زوج و عدم آن و طلاق رجعی و بائن می‌شود. همچنین روایت چهارم به طور مطلق ادای حج را برای مطلقه جایز می‌داند؛ اما در روایت پنجم جواز حج مطلقه به کسب رضایت شوهر منوط شده است. بنابراین می‌توان گفت روایت پنجم روایت چهارم را از این جهت مقید می‌سازد و همین قید نیز می‌تواند تعارض روایت را با روایت سوم برطرف سازد. از طرف دیگر از سایر ادله روشن است که در حج واجب، اذن زوج شرط نیست و نیز نیاز به اذن مختص طلاق رجعی است؛ زیرا اذن برای مطلقه در طلاق بائن موضوعاً منتفی است. بنابراین ماحصل روایات چنین می‌شود: «مطلقه رجعی در سفر حج مستحبی باید رضایت شوهر را کسب کند و از آنجا که مطلقه رجعی زوجه محسوب می‌شود، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اذن زوج و کسب رضایت او در ادای حج مستحبی برای زوجه شرط است». برخی فقهای معاصر نیز به این نتیجه تصریح کرده‌اند. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۸).

### ۳. نقد و بررسی و بیان رأی مختار

مراجعه به نظرات فقها در این مسئله تردیدی در اینکه اذن شوهر برای ادای حج مستحبی لازم است، باقی نمی‌گذارد؛ اما نکته مهم این است که به نظر می‌رسد منشأ این فتاوا اتفاق فقها بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر است و از آنجا که ادای حج مستلزم خروج از منزل است، این موضوع سبب شده که فتوا به عدم جواز حج مستحبی بدون اذن شوهر نیز شکل گیرد. از این رو دیده می‌شود که حتی برخی فقها در فتوا به حج مستحبی زوجه مستقیماً به همین نکته اشاره کرده و چنین نگاشته‌اند: «و أما الخروج من البيت لغير حجة الاسلام فيعتبر فيه الإذن» (همانجا). محقق خویی<sup>رحمته</sup> نیز دلیل لزوم استیذان در حج مستحبی را حرمت خروج زن بدون اذن شوهر دانسته است (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۶).

بنابراین باید گفت حکم لزوم اذن شوهر در حج مستحبی تابع ملاکی است که در مسئله خروج زن از منزل شوهر، استنباط می‌شود. از این رو اگر برداشت فقیه از ادله این باشد که خروج زن مطلقاً (چه با حق زوج تنافی داشته باشد و چه نداشته باشد) منوط به اذن شوهر است، در مسئله حج مستحبی نیز باید به لزوم اذن زوج قائل شود و معتقد شود ادای حج مستحبی بدون اذن شوهر باطل است؛ اما اگر فقیه ملاک جواز و عدم جواز خروج از منزل را تنافی و عدم تنافی آن با حق زوج بداند، در فرض عدم تنافی ادای حج با حق زوج - مثل اینکه شوهر هم در سفر حج با زوجه همراه باشد - باید ادله حج را مستقلاً در نظر می‌گیرد و در این صورت ممکن است فقیه معتقد شود اذن شوهر در فرض مزاحمت حج با حق وی لازم است؛ کما اینکه برخی فقهای معاصر در پاسخ به سؤال از جواز ادای حج مستحبی زن در صورت عدم تنافی با حق زوج فرموده‌اند: «اذا لم یکن منافیاً کما اذا کانت مصاحبه له فی الحج فلا بأس» (تبریزی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۸۰).

البته به نظر می‌رسد ادله ذکرشده درباره لزوم اذن زوج در حج مستحبی زوجه از اثبات لزوم اذن شوهر برای ادای حج مستحبی قاصر است؛ زیرا با وجود ضعف در سند روایت دوم، که درباره حج مستحبی زوجه وارد شده است، ادله مسئله در روایات ناهی از حج مستحبی مطلقه منحصر می‌شود؛ اما از این ادله نیز نمی‌توان لزوم اذن شوهر را در ادای حج مستحبی استنباط کرد؛ زیرا ممکن است از ادله چنین استفاده شود که لزوم اذن شوهر برای خروج مطلقه از منزل موضوعیت دارد و شارع به دلیل فراهم آمدن زمینه برقراری سازش بین زوجین، مطلقه را از انجام هر کار مستلزم خروج از منزل نهی کرده است. از این رو دیگر نمی‌توان از روایات، موضوعیت داشتن خود حج را استنباط کرد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱ ص ۳۲۸).

بله، چنانچه عده زوجه پیش از سفر به حج مستحبی تمام شود و زوج در این مدت به همسر مطلقه رجعی رجوع نکند، از آنجا که با اتمام مدت عده

ارتباط زوجیت کاملاً منقطع می‌شود، می‌توان زوجه را در ادای حج مزبور بی‌نیاز از اذن شوهر دانست.

#### ۴. تصور حق استمتاع

چنان‌که گذشت، ادله مربوط به حج مستحبی زن از اثبات لزوم اذن قاصر است. بنابراین اذن شوهر برای ادای حج از جهت لزوم خروج از منزل موضوعیت می‌یابد. حال چنانچه فقیه معتقد باشد حق استمتاع برای زوج به صورت مطلق و در همه ساعات شبانه‌روز ثابت است، در هر حال خروج از منزل برای ادای حج مستحبی منوط به اذن شوهر است؛ اما اگر فقیه با توجه به ادله به این نتیجه برسد که حق استمتاع نمی‌تواند برای زوج به صورت مطلق ثابت باشد، ادای مستحبات از جمله حج، که مستلزم خروج از منزل است، تنها در فرض تنافی با حق زوج به اذن شوهر نیاز دارد. بنابراین آنچه اهمیت می‌یابد، این است که شارع حق استمتاع را برای زوج چگونه در نظر گرفته است و آیا حضور یا غیبت شوهر یا مسافرت یا بیماری او در نیازمندی زوجه به اذن نقش دارد یا در همه این حالات حکم لزوم اذن شوهر یکسان است. پیش از بررسی این مسئله، باید نظرات فقیهان را در حد امکان جست‌وجو کنیم و سپس به نقد و بررسی آرا بپردازیم:

##### الف) آرای فقها درباره تصور حق استمتاع

همان‌گونه که گفتیم، بررسی کلمات فقها در این زمینه نشان از اختلاف آنان در تصور حق استمتاع برای زوج است. از برخی کلمات آنان چنین برداشت می‌شود که اراده زوج در همه اوقات شبانه‌روز علت تامه در لزوم اذن است؛ به عبارت دیگر این حق برای زوج به طور مطلق ثابت است و لزوم استیذان از زوج در همه امور یا حداقل برخی از آنها تعبدی است. از جمله کلماتی که در تأیید این سخن می‌توان آورد، سخن شیخ طوسی رحمته الله علیه است. ایشان در کتاب شریف مبسوط چنین نگاشته است:



مرد اگر بخواهد، می‌تواند همسرش را از بیرون رفتن از خانه منع کند؛ زیرا استمتاع از زوجه در طول شبانه‌روز حق مرد است. بنابراین می‌تواند مانع شرکت همسرش در تشییع جنازه پدر یا مادر یا فرزندش شود؛ زیرا اطاعت از زوج واجب است؛ در صورتی که انجام امور یادشده مباح یا مستحب است. از این رو باید واجب بر مستحب مقدم گردد. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۳۱).

شهید ثانی رحمته‌الله در شرح *لمعه* درباره لزوم اذن زوج و مولی در روزه مستحبی فرموده است:

اقوی این است که روزه مستحبی بدون اذن درباره غیر زوجه و مملوک کراهت دارد...؛ اما درباره این دو اذن، شرط بوده و روزه منعقد نمی‌گردد و تفاوتی بین غیبت و حضور زوج و مولی در این حکم نیست (شهید ثانی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۵۳). صاحب *جوهر* رحمته‌الله نیز درباره حکم سفر زوجه بدون اذن شوهر ضمن اشاره به این موضوع فرموده است:

اگر زوجه بدون اذن زوج مسافرت مستحب یا مباح رود، بلاخلاف و بدون هیچ اشکالی نفقه او ساقط می‌گردد؛ زیرا از حقوق مرد بر زن این است که بدون اذن زوج مسافرت نرود، هرچند منافات با حق استمتاع نداشته باشد (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۱۴).

فقیه معاصر آیت‌الله گلپایگانی رحمته‌الله، در حاشیه بر عروه ضمن اشکال بر صحت اجاره در مسئله اجیر شدن زوجه برای شیردهی فرموده است:

این حکم دارای اشکال است؛ زیرا تمکین حق زوج است و زن نمی‌تواند خلاف این حق به واسطه اجیر شدن عمل نماید و حق زوج هم متوقف بر اراده استمتاع نیست، بلکه مطلق بوده و هر زمان که بخواهد، می‌تواند استیفای حق نماید (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۵۳).

از دیگر فقهای معاصر که در این زمینه سخن رانده، محقق اراکی رحمته‌الله است. ایشان در مسئله خروج زن از منزل فرموده است:

آنچه که از اخبار استفاده می‌شود، این است که حق زوج بر زوجه منحصر در دو حق است:

الف) بدون اذن او از منزل خارج نشود. از این رو اگر زوجه را از بیرون رفتن نهی نماید، خارج شدن از منزل بر او حرام می‌گردد، هرچند زوج با این نهی خود استمتاع از زوجه را قصد نکرده باشد؛ چون از خبر استفاده می‌شود که عدم خروج موضوعیت دارد و مستقلاً متعلق حق است و به دلیل مراعات حق استمتاع نیست.

ب) حق استمتاع؛ از این رو هر زمان زوج اراده استمتاع از زوجه نماید، بر زوجه تمکین واجب است... (اراکي، ۱۴۱۴ق، ص ۲۶۰)؛

نیز برخی فقهای معاصر حق استمتاع زوج را به نحو استغراق دانسته و در رد تقیید جواز روزه مستحبی زن به عدم مزاحمت با حق شوهر نگاشته‌اند:

حق استمتاع از زوجه فعلی و دائمی و نسبت به اوقات شبانه‌روز مشاع و بلکه مستغرق و فراگیر است، مگر زمان‌های خاص (مانند ایام عادت و...) که از این شمول خارج است. بنابراین دائماً بین حق زوج و اجیر غیر شدن تزامم وجود دارد. از این رو کلام مصنف، که فرموده در صورت تزامم با حق زوج، دارای اشکال است، (اشتهدادی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۹۰).

در مقابل این نظریه، آن دسته از فقها قرار می‌گیرند که معتقدند لزوم استیذان از زوج و امکان منع زوج از برخی فعالیت‌های زوجه از جمله روزه و حج مستحبی، به ملاک مراعات حق استمتاع زوج است و تعبد خاصی در این زمینه وجود ندارد. از این دسته فقها نیز می‌توان صاحب جواهر<sup>۱۱</sup> را نام برد. ایشان در بحث لزوم اذن زوج در روزه مستحبی می‌فرماید: «اطاعت از شوهر در این امور، که منافی استمتاع نیست، وجوبی ندارد. بنابراین روزه زن صحیح است، ولو شوهر او را نهی کند، مگر اینکه اجماع خلاف آن باشد. ایشان در ادامه مطلب در فرض عدم منافات روزه مستحبی زن با حق شوهر می‌فرماید:

تنها چیزی که ممکن است به این حکم اشکال وارد سازد، ظن به وجود اجماع بر خلاف است؛ والا در صورت نبود اجماع در مسئله، حکم به صحت روزه مخصوصاً در صورت غیبت زوج یا امتناع زوج از استمتاع یا بیماری او و مانند آن که تعارضی با حق زوج ندارد، خالی از قوت نیست (نجفی، بی تا، ج ۱۷، ص ۱۳۱).

همچنین برخی فقیهان معاصر از ملاک منافات با حق زوج و عدم آن در جمع اخبار ناهی از روزه مستحبی زن بدون اذن و اخباری که چنین روزه‌ای را برای زوجه صحیح می‌داند، استفاده کرده و معتقد شده‌اند:

اولی این است که خبر علی بن جعفر را بر صورت عدم مزاحمت روزه زن با استمتاع زوج از او و اخبار مانعه را بر صورتی که استمتاع زوج از زوجه با روزه در تراحم است، حمل نماییم (آملی، ۱۳۸۰ق، ص ۱۰۷).

محقق خوئی<sup>۱</sup> نیز در گفت‌وگو از حکم اعتکاف زوجه، مسئله بیرون رفتن زن از منزل و ملاک جواز و عدم آن را تنافی داشتن خروج و عدم تنافی آن با حق استمتاع دانسته و فرموده است:

اگر بدون اذن زوج از منزل برای اعتکاف خارج شود، اعتکاف او باطل می‌گردد... به دلیل روایات بسیاری که دلالت دارد بر اینکه خروج زن از منزل شوهر در صورت تنافی داشتن با حق زوج جایز نیست، مگر اینکه خروج، کوتاه‌مدت باشد (خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۱).

برخی فقهای معاصر نیز در این زمینه چنین نگاشته‌اند:

زن شوهردار می‌تواند خودش را برای شیر دادن، اجیر غیر قرار دهد، هر چند شوهر به وی در این کار اذن ندهد. بله، در صورتی که اجیر شدن با حق شوهر منافات داشته باشد، نمی‌تواند خودش را اجیر غیر قرار دهد... و در صورت اجیر شدن بدون اذن، اجاره صحیح نیست، مگر اینکه بعداً شوهر اجازه دهد (زین‌الدین، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۴).

## ب) نقد و بررسی

آنچه از کلمات فقها درباره لزوم اذن و اجازه شوهر برای زن در انجام برخی فعالیت‌ها نقل شد، ضمناً بیانگر نوع نگاه آنان به حق استمتاع زوج نیز بود؛ زیرا فقها در استدلال خود برای حکم به صحت یا اباحه فعلی که با اذن زوج یا اجازه بعدی او انجام شده، نحوه استحقاق زوج در بهره‌وری از زوجه را در نظر گرفته بودند. از این رو قبل از نقد و بررسی کلمات آنان لازم است ادله مسئله را بررسی کنیم و ملاک مد نظر شارع را درباره این حق به دست آوریم تا بتوانیم از این ملاک در داوری و نقد کلمات فقها استفاده کنیم.

برای پژوهش در مسئله مورد گفت‌وگو و به‌دست آوردن ملاک، ابتدا لازم است تبیین شود از نظر شارع مؤلفه‌هایی چون زمان، مکان، حضور و غیبت زوج و اراده او چه اندازه در جعل حق استمتاع برای زوج نقش دارند؛ به عبارت دیگر آیا اراده استمتاع در زوج به نحو بالقوه و شأنی مد نظر شارع قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که زوج در هر زمان و مکان مستحق بهره‌وری از زوجه است، خواه امکان استیفای این حق برای زوج فراهم باشد و خواه نه، که فقها در متون فقهی از آن به «استغراق جمیع اوقات» تعبیر می‌کنند یا اراده بالفعل (فعلی) او متعلق این حق است، بدین معنا که هر زمان اراده استمتاع از زوجه کرد و امکان فعلیت و تحقق‌بخشی به اراده‌اش نیز بود، بر زوجه تمکین لازم است؟ روشن است در فرض دوم، اگر به سبب نبود مقتضی یا وجود موانع شرعی یا عرفی و مانند آن امکان استیفای این حق برای زوج فراهم نبود، وی حق ممانعت از فعالیت‌های زوجه را ندارد. البته این تصور نیز ممکن است که شارع در برخی مصادیق مانند خروج از منزل اراده زوج را به نحو بالقوه و در برخی دیگر مانند روزه مستحبی به نحو بالفعل متعلق حکم قرار داده باشد.

محقق عراقی رحمته‌الله نیز در بحث از حکم اجاره زنی که خود را برای شیر دادن اجاره می‌دهد، جواز و عدم جواز در مسئله را بر نحوه تصور حق استمتاع مترتب دانسته و می‌فرماید:

تحقیق این است که گفته شود علقه زوجیت اقتضایی بیشتر از تسلط زوج بر استمتاع ندارد و اگر بگوییم این سلطه حاصل از زوجیت به صورت مطلق بوده و لازمه اش تسلط زوج بر حفظ مقدمات استمتاع است، باید گفت اجاره صحیح نیست، هرچند زوج اراده استمتاع نیز نداشته باشد... اما اگر بگوییم تسلط زوج بر استمتاع در صورتی است که قابلیت تحقق این تسلط وجود داشته باشد، دیگر این تسلط نمی تواند مانع صحت اجاره گردد؛ زیرا با اجیر غیر شدن، محل (زوجه) از قابلیت استمتاع خارج می گردد.» (عراقی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۵).

### ج) ادله مسئله ثبوت حق استمتاع

مهم ترین دلیلی که می توان از قرآن درباره چگونگی ثبوت حق استمتاع برای زوج ذکر کرد، آیه ۲۲۳ بقره است: ﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...﴾. شاهد مثال در آیه شریفه ترتب «فأتوا» بر «أنى شئتم» است. از این رو لازم است این کلمه را در لغت و تفاسیر بررسی کنیم. واژه «أنى» در آیه شریفه به معنای مکان یا کیفیت است و برخی نیز در ترکیب آیه این واژه را به معنای زمان دانسته اند. ابن منظور در *لسان العرب* درباره این واژه نگاشته است:

أنى: معنایش «أين» است. وقتی می گویی «أنى لك هذا» یعنی «من أين لك هذا»... و گاهی هم به معنای «کیف» می آید. وقتی می گویی «أنى لك أن تفتح الحصن» یعنی «کیف لك ذلك» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۳۸).

در *مفردات* راغب نیز آمده است:

«أنى» برای جست و جو از حالت و مکان است. از این رو گفته شده: «أنى» به معنای چگونه و کجاست؛ زیرا معنای هر دو را در بر دارد. خداوند متعال می فرماید: ﴿أَنَّى لَكَ هَذَا﴾ (آل عمران: ۳۷). أى: من أين، و کیف (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۶).

همچنین در *الجدول فى اعراب القرآن* درباره نقش ترکیبی «أنى» در آیه شریفه چنین آمده است:

«أَنتِ» ظرف مکان و مبنی بر سکون است و متضمن معنی شرط نیست و متعلق ب'انتوا' است». در پی نوشت نیز آمده است: «أَنتِ»: گاهی به معنی 'کیف' یا به معنی 'این' یا به معنی 'متی' است. پس در آیه بر ظرف زمان دلالت دارد» (صافی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۶۴).

در تفاسیر نیز واژه «أَنتِ» مکان یا «من این» معنا شده است؛ با این تفاوت که برخی تفاسیر کاربرد این کلمه را تنها در معنای مکان صحیح دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۳؛ و طبرسی، ۱۳۷۲ق، ص ۵۶۵)؛ اما برخی دیگر معنای زمان را نیز بدان افزوده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ص ۱۴۲؛ همو، ۱۴۲۱ق، ص ۱۳۳؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰).  
در تفسیر المیزان آمده است:

«أَنتِ» از اسمای شرط است و مانند «متی» در مورد زمان نیز به کار می‌رود و گاهی در مورد مکان نیز به کار رفته است؛ مانند این آیه شریفه: «يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۷). اگر «أَنتِ» در آیه شریفه در معنای مکان به کار رود، به معنای «از هر محلی که خواستید» و اگر در معنای زمان به کار رود به معنای «در هر زمان که بخواهید» بوده و در هر صورت دارای اطلاق است؛ مخصوصاً که به کلمه «شئتم» نیز مقید شده است و این اطلاق باعث می‌شود فعل امر در سخن خداوند متعال که می‌فرماید «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ»، دلالت بر وجوب نداشته باشد؛ زیرا وجوب فعل با ارجاع آن به اختیار مکلف بی‌معناست (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۲۱۳).

به هر روی معنای «أَنتِ» مکان باشد یا زمان یا هر دو، آنچه مهم است، اطلاقی است که در معنای این کلمه وجود دارد و نیز اینکه در آیه شریفه استمتاع از زوجه بر مشیت و خواست فعلی زوج مترتب است؛ بدین معنا که هر زمان و هر مکان که زوج اراده فعلی به استمتاع از زوجه داشته باشد، بهره‌وری از زوجه برای او جایز است و از نظر شرعی فعلیت بخشیدن به این حق به زمان یا مکان خاصی (غیر از زمان یا مکانی که شرعاً ممنوع است)

اختصاص ندارد؛ به عبارت دیگر آیه شریفه درصدد بیان این مطلب است که ملاک در استیفای این حق اراده زوج است که در هر زمان یا مکان می‌تواند فعلیت یابد و تعبدی در این مسئله وجود ندارد. از این رو اگر زمانی زوج، بالفعل اراده استمتاع از زوجه نداشت یا تحقق و فعلیت بخشیدن به اراده برای او میسر نبود، ولایتی بر زوجه ندارد و تکلیفی از جهت تمکین متوجه زوجه نیست. بنابراین در این فرض برای زوجه امکان انجام فعلی که با وظیفه تمکین ارتباطی ندارد، فراهم است و در چنین زمان‌هایی استیذان از زوج لزوم نمی‌یابد.

بله، البته آیه دلالت می‌کند بر اینکه زوجه باید در هر زمان یا مکانی که امکان فعلیت بخشی به اراده برای زوج وجود دارد، حاضر و در دسترس باشد تا بتواند به زوج تمکین کند. از این رو در صورت حضور زوج در مکانی که امکان تحقق بخشی به اراده استمتاع برای او وجود دارد، بر زوجه نیز حضور در آن محل لازم است، هر چند زوج بالفعل اراده استمتاع نداشته باشد؛ زیرا در صورت عدم حضور زوجه، امکان فعلیت بخشی به اراده برای زوج فراهم نیست و به عبارت دیگر در این فرض، زوجه علت عدم امکان تحقق اراده در زوج است.

آیه دیگری که در این باره می‌تواند شاهد و مؤید بر این امر (ملاک بودن اراده فعلی زوج) باشد، آیه ۱۳۴ سوره مبارکه نساء است که خداوند متعال در آن درباره خوف نشوز زنان می‌فرماید: ﴿...وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾؛ زیرا در این آیه موعظه و هجر و ضرب بر خوف نشوز زوجه مترتب شده و بدیهی است تحقق نشوز در فرضی است که زوج بخواهد به اراده خود فعلیت بخشد؛ و الا در فرضی که امکان استیفای این حق برای زوج وجود ندارد، نشوز نیز بی‌معناست.

دقت و تأمل در روایات نیز می‌تواند ما را به ملاک بودن اراده فعلی زوج رهنمون شود؛ برای نمونه در این زمینه می‌توان به صحیح‌ه محمد بن مسلم از

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استناد کرد:

محمد بن یعقوب عن عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ... وَلَا تَمْتَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبَ<sup>۱</sup> (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ص ۵۰۷).

در این کلام نورانی، حضرت در مقام تأکید لزوم مراعات حق زوج، زوجه را از عدم تمکین در حداقل شرایطی که زوج امکان فعلیت بخشیدن به اراده خود را دارد، نهی می‌کنند؛ به عبارت دیگر این روایت ظهور دارد در اینکه ملاک در حق استمتاع، اراده فعلی زوج است؛ زیرا در غیر این صورت ممانعت بی‌معنا خواهد بود؛ چراکه ممانعت در فرضی متصور است که زوج بخواهد اراده خود را فعلیت بخشد از این رو در هر شرایط و موقعیتی که این اراده امکان تحقق و فعلیت یافتن داشته باشد، تمکین بر زوجه لازم است.

با توجه به آنچه از آیات و روایات گذشت، معلوم شد شارع اراده زوج را در استیفای حق استمتاع به نحو تحقق بالفعل و به عبارت دیگر به صورت اراده فعلی لحاظ کرده است؛ به گونه‌ای که هر زمان و مکان که زوج بخواهد و امکان تحقق خارجی اراده برای او وجود داشته باشد، مراعات حق او از جانب زوجه لزوم می‌یابد و این ملاک در همه افعال زوجه از جمله حج مستحبی که در روایات به اذن زوج منوط شده، جریان دارد.

بنابراین با توجه به ملاک به‌دست‌آمده روشن می‌شود فعل مستحبی زوجه مانند حج استحبابی در صورتی که ابتدا بدون اذن باشد، باطل و حرام نیست، بلکه بطلان و حرمت بر امکان تحقق و فعلیت یافتن اراده زوج در استمتاع از زوجه مترتب است. بنابراین اگر در زمان انجام فعل زوجه چنین امکانی برای

۱. از امام باقر علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: زنی نزد نبی مکرم اسلام آمد و عرضه داشت: ای رسول خدا حق زوج بر همسرش چیست؟ حضرت به او فرمودند: این است که او را اطاعت نموده و سرپیچی نکند... و خودش را از او دریغ ندارد هرچند بر پشت شتر سوار باشد.



زوج فراهم نبوده (مثل اینکه زوج در بستر بیماری قرار داشته) یا اگر فراهم بوده، اما زوج نخواسته به اراده خود فعلیت بخشد (اجازه لاحق می‌تواند کاشف از عدم اراده باشد)، فعل مستحبی زوجه صحیح است. در ادامه نیز با لحاظ این دو شرط یعنی امکان تحقق و وجود اراده فعلی، استیذان از زوج لزوم می‌یابد؛ اما اگر این امکان فراهم بوده و فعلیت پیدا نکردن اراده زوج مستند به حضور نداشتن و در دسترس نبودن همسر بوده، وی مرتکب فعل حرام یا باطلی شده است که امکان تصحیح آن وجود ندارد، مگر اینکه اجازه لاحق زوج را کاشف از اسقاط حق خود در آن زمان به حساب آوریم.

گفتنی است ملاک پیش گفته را کلام برخی فقها که در این زمینه به تفصیل سخن گفته‌اند، تأیید می‌کند. محقق اصفهانی رحمته‌الله ضمن گفت‌وگو درباره صحت و عدم صحت اجاره زنی که خود را برای شیر دادن اجیر غیر قرار داده، صور مختلفی برای حق استمتاع زوج به دست داده است. ایشان ضمن رد تصور این حق برای زوج به نحو بالقوه یا به عبارت دیگر به نحو استغراق جمیع اوقات فرموده است:

با توجه به ضروری بودن نادرستی این فرض که بگوییم زوج مستحق استمتاع در همه اوقات شبانه‌روز است، ناچار تصور حق استمتاع برای زوج از یکی از این صور خارج نیست:

الف) حق استمتاع مختص به زمان معین است؛

ب) حق استمتاع در فردی از زمان به صورت نامعین برای زوج ثابت است؛

ج) حق استمتاع زمانی برای زوج محقق می‌گردد که زوج به نحو واجب معلق اراده استمتاع کند (این حق معلق بر اراده زوج است)؛

د) حق استمتاع زمانی برای زوج محقق می‌گردد که زوج به نحو واجب مشروط اراده استمتاع کند (تحقق این حق مشروط به تحقق اراده استمتاع از ناحیه زوج است)؛

ه) حق استمتاع برای زوج به صورت کلی در معین ثابت است. البته نهایتاً

اختیار متعین کردن کلی در یک مصداق به دست زوج است... (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۳).

ایشان سپس در بیان علت بطلان همه صور غیر از صورت کلی در معین فرموده است:

غیر از فرض آخر، بقیه فروض باطل است. اما بطلان فرض اول از این جهت است که استمتاع برای زوج شرعاً و عرفاً زمان معینی ندارد و بطلان فرض دوم به جهت محال بودن عقلی ملکیت مرد است و فرض سوم و چهارم هم بدین جهت باطل است که حق استمتاع برای زوج شرعاً ثابت است، خواه زوج اراده استمتاع داشته باشد یا نه بنابراین ثبوت حق استمتاع متوقف بر خواست و اراده زوج نیست و نیز ثبوت این حق مشروط و مقید به خواست و اراده زوج نمی‌گردد، بلکه زوج آن حقی که شرعاً برایش ثابت است را به کار می‌گیرد. با توجه به بطلان سایر فروض و انحصار فرض صحیح در مورد چهارم، دیگر بین حق استمتاع و حق غیر به واسطه اجیر کردن زن جهت رضاع تنافی نخواهد بود؛ زیرا استحقاق در هر دو مورد به نحو کلی در معین است (حق استمتاع به صورت کلی برای زوج ثابت است و زوج هر زمان بخواهد، می‌تواند این حق کلی را در یک مصداق مشخص از زمان تعین بخشد)... (همانجا).

البته ایشان معتقد است که ولایت در تعیین در اختیار زوج قرار دارد. همچنین محقق عراقی رحمته الله علیه در گفت‌وگو درباره حکم این مسئله آن را متفرع بر چگونگی تصور حق استمتاع دانسته و عدم صحت را لازمه تصور این حق به نحو اطلاق قرار داده است، اما در نهایت در این گونه تصور تشکیک کرده است و می‌فرماید:

و از آنجا که حق استمتاع به این دو صورت قابل تصور است، بحث در این خواهد بود که تسلط زوج بر این حق به کدام یک از این دو صورت است. در پاسخ می‌گوییم طبیعت زوجیت همانند ملکیت عرفاً چنین اقتضا دارد که این

تسلط به نحو مطلق باشد و لازمه مطلق بودن آن صحیح نبودن اجاره بدون اذن شوهر است. البته اگر در مطلق بودن این سلطه شک نکنیم و بگوییم نهایت چیزی که به واسطه علقه زوجیت ثابت می‌شود، تسلط بر استمتاع در ظرف قابلیت محل است (در صورت امکان فعلیت بخشی به این حق) و لازمه این گونه تصور حق استمتاع این است که بگوییم ثبوت این حق مانع از صحت اجاره نیست (عراقی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵۶).

## نتیجه

۱. ادله مربوط به حکم حج مستحبی زن از اثبات لزوم اذن زوج برای ادای حج به وسیله زوجه قاصر است. از این رو تنها دلیلی که بر لزوم اذن زوج برای ادای حج مستحبی دلالت می‌کند، ادله‌ای است که بیان می‌کند خروج زوجه از منزل نیازمند اذن زوج است؛ چه ادای حج مستلزم خروج از منزل است و از روایات ناهی از حج مستحبی مطلقه نیز نمی‌توان لزوم اذن شوهر را در ادای حج مستحبی استنباط کرد؛ زیرا ممکن است از ادله چنین استفاده شود که لزوم اذن شوهر برای خروج مطلقه از منزل موضوعیت دارد و شارع به دلیل فراهم آمدن زمینه برقراری سازش بین زوجین، مطلقه را از انجام هر کار مستلزم خروج از منزل نهی کرده است. از این رو دیگر نمی‌توان از روایات موضوعیت داشتن خود حج را استنباط کرد.

۲. چگونگی لحاظ حق استمتاع برای زوج توسط شارع در هر گونه حکمی نسبت به لزوم یا عدم لزوم اذن زوج برای خروج از منزل و ادای حج مستحبی مؤثر است. از این رو اگر فقیه بر اساس ادله معتقد باشد شارع حق استمتاع را برای زوج به صورت مطلق و در همه اوقات شبانه‌روز قرار داده است، معتقد می‌شود خروج از منزل برای ادای حج مستحبی برای زوجه به طور مطلق نیازمند اذن زوج است، هرچند این خروج منافاتی با حق زوج نداشته باشد. اما اگر از ادله چنین استنباط کند که حق زوج مطلق نیست و لزوم اذن به ملاک

منافات با حق زوج است، اذن زوج را برای ادای مستحبات تنها در فرضی لازم می‌شمارد که ادای مستحب مانند حج با حق زوج تنافی پیدا کند.

۳. اگر فقیه بر اساس ادله معتقد شود شارع حق استمتاع را برای زوج به نحو فعلی و با فرض امکان تحقق بخشی به آن لحاظ کرده است، می‌تواند به صحت حج مستحبی زن بدون اذن شوهر در فرضی که در طول مدت ادای حج به صورت بالفعل امکان استمتاع برای شوهر وجود ندارد (مانند فرض مسافرت یا بیماری زوج در این مدت) حکم کند.

## منابع

- ﴿قرآن کریم﴾
۱. آملی، میرزا محمد تقی (۱۳۸۰ق)، **مصباح الهدی فی شرح عروة الوثقی**، تهران، انتشارات مؤلف، چاپ اول.
  ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، چاپ سوم.
  ۳. اراکی، محمد علی (۱۴۱۴ق)، **خيارات**، قم، مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
  ۴. اشتهازی، علی پناه (۱۴۱۷ق)، **مدارک العروه**، تهران، دارالأسوة للطباعة و النشر، چاپ اول.
  ۵. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۰۹ق)، **الاجاره**، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
  ۶. تبریزی، جواد (بی تا/ الف)، **التهذیب فی مناسک العمرة و الحج**، بی جا، بی نا.
  ۷. \_\_\_\_\_، (بی تا/ الف)، **صراط النجاة**، بی جا، بی نا.
  ۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشیعة**، قم، انتشارات آل البيت علیه السلام.
  ۹. حکیم، محسن (۱۴۱۶ق)، **مستمسک عروة الوثقی**، قم، دار التفسیر، چاپ اول.
  ۱۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۶ش)، **معجم رجال الحديث**، تهران، امیرکبیر.
  ۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۰ق)، **منهاج الصالحین**، قم، مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم.
  ۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخوئی**، قم، إحياء آثار الإمام الخوئی ره.
  ۱۳. \_\_\_\_\_، (بی تا)، **معتمد عروة الوثقی**، بی جا، بی نا.
  ۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.
  ۱۵. زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳ق)، **کلمة التقوی**، قم، انتشارات سید جواد وداعی، چاپ سوم.
  ۱۶. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله (۱۴۱۹ق)، **ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالتعارف، چاپ اول.
  ۱۷. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، **مهذب الاحکام**، قم، انتشارات دفتر آیت الله سبزواری، چاپ چهارم.
  ۱۸. شاهرودی، سید محمود (بی تا)، **کتاب الحج**، قم، انتشارات مؤسسه انصاریان، چاپ اول.
  ۱۹. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۸ق)، **اللمعة الدمشقیة**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
  ۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۸ق)، **روضه البهیة**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دهم.

۲۱. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق)،  
الجدول فی اعراب القرآن، بیروت، دار  
الرشید، چاپ چهارم.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴ش)،  
المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه  
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ق)،  
مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران،  
ناصرخسرو، چاپ سوم.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)،  
المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المكتبة  
المرتضویه، چاپ سوم.
۲۵. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰ق)، الاستبصار،  
تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۶. \_\_\_\_\_، (بی تا)، التبیان فی تفسیر  
القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة  
المتعلمین، قم، انتشارات جامعه مدرسین،  
چاپ اول.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)،  
خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، قم،  
فقاہت، چاپ اول.
۲۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، کتاب  
الحج، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ  
دوم.
۳۰. \_\_\_\_\_، (بی تا)، تعليقات علی العروة  
الوثقی، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه  
اطهار (علیهم السلام)، چاپ اول.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)،
- الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی  
(۱۴۰۶ق)، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب  
الاخبار، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی  
نجفی، چاپ اول.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر  
نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۳۴. \_\_\_\_\_، (۱۴۲۱ق)، الامثل فی تفسیر  
کتاب الله المنزل، قم، انتشارات مدرسه امام  
علی (علیه السلام)، چاپ اول.
۳۵. موسوی عاملی، محمدعلی (۱۴۱۱ق)،  
مدارک الاحکام، بیروت، انتشارات آل  
البيت (علیهم السلام)، چاپ اول.
۳۶. مؤمن سبزواری، محمدباقر بن محمد  
(بی تا)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد،  
بی جا، بی نا.
۳۷. نجفی، محمدحسن (بی تا)، جواهر  
الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ  
هفتم.
۳۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک  
الوسائل، بیروت، انتشارات آل البيت (علیهم السلام)،  
چاپ اول.
۳۹. یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۹ق)، عروة  
الوثقی، بیروت، انتشارات مؤسسة الأعلمی  
للمطبوعات، چاپ دوم.
۴۰. \_\_\_\_\_، (۱۴۱۹ق)، عروة الوثقی  
محشی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ  
اول.